

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهارچوب روند اصلاحات سیاسی در حاشیه جنوبی ———
خلیج فارس (مطالعه برخی شاخص‌های سیاسی و اقتصادی) ———

گزیده پژوهش‌های جهان: چهارچوب روند اصلاحات سیاسی در حاشیه جنوبی خلیج فارس (مطالعه برخی شاخص‌های سیاسی و اقتصادی)

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

ترجمه و تدوین: مریم محمودی

تاریخ انتشار: ۹۷/۴/۹

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

نکات این متن عبارتند از:

۱. نظام سیاسی حاکم بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل ساختار سنتی و غیرمدرن خود تبدیل به یکی از نمونه‌های دولت‌های غیردموکراتیک در دنیای جدید شده است.
۲. مجلس‌های قانون‌گذاری موجود در کشورهای خلیج فارس به‌جز مجلس ملی کویت یکی از اقدامات نمایشی برای مشروع جلوه دادن نظام‌های سیاسی این کشورها به‌شمار می‌روند.
۳. عوامل ویران‌کننده اصلاحات سیاسی در حاشیه جنوبی خلیج فارس عبارتند از: ۱. اقتصاد رانتی و منطق‌خشنودسازی؛ و ۲. نقش عربستان سعودی.
۴. اکثر کشورهای غرب آسیا برای حفظ قدرت خود از استراتژی خشنودسازی استفاده می‌کنند. خشنودسازی شهروندان در این استراتژی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و بوروکراتیک صورت می‌گیرد؛ برای مثال، کشورهای بحرین، کویت، قطر، و عربستان سعودی با هدف حفظ قدرت خود و استفاده از اقتصاد رانتی وابسته به نفت، مالیات‌ها را کاهش داده‌اند.
۵. عربستان سعودی یکی از قدرت‌های منطقه‌ای است که مخالف دموکراتیک شدن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه بحرین و تاحدودی قطر است. مخالفت عربستان سعودی با تشکیل کشورهای دموکراتیک مبنی بر قانون اساسی و حمایت مردم، ناشی از نگرانی سرایت دموکراسی و انتخابات به داخل کشورش می‌باشد. علی‌رغم تأکید امیر سابق قطر بر انتخابات آزاد شورای مشورتی در این کشور، شاهد تأخیر این امر تاکنون هستیم. تحلیل‌های اخیر علت این تأخیر را فشارهای عربستان سعودی می‌دانند.
۶. کشورهای منطقه خلیج فارس به دلیل ترس از نمایندگان مردم، مخالف روند



- دموکراتیک شدن خود هستند. در همین راستا، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس برپایی اتحادیه‌ها و حزب‌های سیاسی را ممنوع اعلام کردند.
۷. نسبت مشارکت مردم کشورهای کویت، سلطنت عمان و بحرین در انتخابات بیانگر آمادگی آنها برای پیشرفت دموکراسی در آینده است. برخلاف این کشورها، در عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر هیچ‌گونه انتخابات قانونی و نظارتی بر عملکرد حکومت وجود ندارد.
۸. اگرچه روند اصلاحات سیاسی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مطلوب حاکمان پیش می‌رود؛ اما در صورت تحقق این تغییرات در بلندمدت، این کشورها را با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهند کرد. در همین راستا، اگر حاکمان در شیوه حکمرانی خود تن به تغییرات تدریجی بدهند، می‌توانند بخشی از چالش‌ها را برطرف کنند و در غیراین صورت مجبور خواهند بود تغییرات در سطح کلان را بپذیرند.



چهارچوب روند اصلاحات سیاسی در منطقه حاشیه جنوبی خلیج فارس^۱ (مطالعه برخی شاخص‌های سیاسی و اقتصادی)

مقدمه

بسیاری از متفکران بر این باورند که کشورهای عربی در برابر روند دموکراتیک شدن مقاومت می‌کنند. آنچه اکنون ذهن متفکران را مشغول کرده است ماهیت این مقاومت خصوصاً بعد از فرصت‌های پیش‌آمده طی تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ است. در این میان، برخی از کشورها چون سوریه، لیبی و یمن شکست خوردند. برخی چون مصر در شرایط نامساعدی به سر می‌برند و در برخی هم، چون تونس اکثر مردم با چشم‌پوشی از حق خود، خواستار موفقیت روند اصلاحات هستند. در مقابل نظریه مقاومت کشورهای عربی، شاهد نظریه دیگری با نام جداسازی منطقه خلیج فارس هستیم. این نظریه در خصوص مشکلات دولت‌های سلطنتی و دستاوردهای آنها با دموکراتیک شدن دولت‌ها بحث می‌کند. همچنین تلاش می‌کند عملکرد سیاسی کشورهای عربی را از عملکرد اقتصادی آنها جدا کند. سلطنت‌نشین‌های خلیج فارس که دارای اقتصاد رانتهی و منابع مالی زیاد هستند، توانستند با صرف هزینه‌های بالا از تحولات جهان عرب به نفع خود عبور کنند. این اقدام، رشوه سیاسی برای شهروندان چنین کشورهایی به حساب می‌آید. در اینجا دو بحث را مدنظر داریم: ۱. اهمیت مشارکت مردم در انتخابات قانونی، که چنین انتخاباتی منحصر به کویت و تاحدی سلطنت عمان و بحرین است و ۲. بررسی عوامل ضعیف‌کننده اصلاحات سیاسی و نقش منفی عربستان سعودی در نابودی روند اصلاحات.

۱. مجلس‌های قانون‌گذاری کشورهای خلیج فارس میان انتخاب و انتصاب

مجلس‌های قانون‌گذاری موجود در کشورهای خلیج فارس به‌جز مجلس ملی کویت یکی از

^۱ محمود عبدالعال، حدود تطور عملیة الإصلاح السیاسی فی منطقة الخلیج العربی، سوریه: مرکز ادراک للدراسات و الاستشارات، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷.



اقدامات نمایشی برای مشروع جلوه دادن نظام‌های سیاسی این کشورها به‌شمار می‌رود. در اینجا به بررسی مجلس‌های قانون‌گذاری کشورهای عربی خلیج فارس می‌پردازیم:

- **کویت:** به‌دنبال استقلال این کشور در سال ۱۹۶۱، حاکم وقت، فرمان تشکیل مجلس مؤسسان را به‌منظور تدوین قانون اساسی و وضع قوانین انتخاباتی صادر کرد. همچنین این کشور دارای شورای مشورتی است که امیر کویت را در امور مملکتی یاری می‌کند. پس از تعطیلی پنج‌ساله مجلس این کشور، شاهد مشارکت نود درصدی مردم در انتخابات هستیم.

- **سلطنت عمان:** این کشور متشکل از دو مجلس سنا و شورای مشورتی است. شایان ذکر است که مجلس سنا یاریگر پادشاه در امور مملکتی و شورای مشورتی منتخب مردم است. در هنگام بروز اختلافات این دو مجلس، مجلس عالی عمان را به ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل می‌دهند. قابل تأمل است که شورای مشورتی حق پیشنهاد یا تصویب قانون را به‌تنهایی ندارد؛ اما مجلس سنا دارای این حق است. پس از تحولات جهان عرب در این کشور شاهد کاهش بیست درصدی مشارکت مردم در انتخابات هستیم.

- **بحرین:** این کشور متشکل از دو مجلس نمایندگان و شورای مشورتی است. شایان ذکر است که اعضای شورای مشورتی منتخب پادشاه و اعضای مجلس نمایندگان منتخب مردم هستند. همچنین شورای مشورتی حق رد یا تأیید تمام مصوبات مجلس نمایندگان را دارد. تلاش عربستان سعودی برای حفظ آل خلیفه سنی موجب شکست جریان دموکراسی‌خواهی در این کشور شد.

- **عربستان سعودی:** شورای مشورتی این کشور کاملاً زیرنظر پادشاه است. عربستان سعودی در منطقه شیعه‌نشین خود (شرق این کشور) شاهد قیام‌های مردمی بود. قابل تأمل است که تظاهرات کنندگان خواستار رسیدن به قانون اساسی طی انتخاب مستقیم شورای مشورتی و دادن امتیاز تصویب قانون به شورای مشورتی هستند.

- **قطر:** شورای مشورتی این کشور زیرنظر پادشاه است. حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر سابق قطر، سال ۲۰۰۴ انتخابات آزاد مجلس مشورتی را درحالی اعلام کرد که یک سوم مجلس را پادشاه تعیین می‌کند. در همین راستا، اولین انتخابات در سال ۲۰۱۳ به دلایلی ازجمله انتقال قدرت به امیر جدید قطر، چالش‌های توسعه این کشور و شرایط منطقه به‌ویژه پیشرفت انقلاب در کشورهای سوریه، یمن، لیبی و مصر انجام نشد.

- **امارات متحده عربی:** انتخابات در امارات متحده به شرط معرفی نمایندگان امارت‌های هفت‌گانه به مجلس ملی اتحاد انجام می‌شود. همچنین حق انتخابات در دست پادشاه است.



۲. برخی عوامل ویران‌کننده اصلاحات سیاسی در حاشیه جنوبی خلیج فارس

عوامل ویران‌کننده اصلاحات سیاسی شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی هستند. یکی از این عوامل تقسیم‌های قبیله‌ای است؛ اما دو عامل مهم شامل: اقتصاد رانتی و منطق خشنودسازی و نقش منفی عربستان سعودی به‌عنوان محوریت در منطقه خلیج فارس، به‌ویژه نقش این کشور در شکست اصلاحات در بحرین است.

- اقتصاد رانتی و منطق خرید همکاری: اکثر کشورهای غرب آسیا برای حفظ قدرت خود از استراتژی خرید همکاری استفاده می‌کنند. خشنودسازی شهروندان در این استراتژی از طریق امکانات مالیاتی و بوروکراتیک صورت می‌گیرد.

این استراتژی نیازمند پول زیاد و امکانات مادی است؛ به‌همین دلیل، کشور فقیری مانند مصر نمی‌تواند از این طریق قدرت خود را حفظ کند. به‌دلیل ارتباط این استراتژی با قیمت نفت، هم‌زمان با افزایش قیمت نفت، کشورهای خلیج فارس درصدد تحقق برنامه توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی خود برآمدند. در همین راستا، عربستان سعودی تعداد وزارتخانه‌های خود را از چهار وزارتخانه قبل از نفت تا بیست وزارتخانه افزایش داد.

تکامل روش خشنودسازی و انتقال آن از مرحله سنتی به مرحله نهادی موجب افزایش نقش حکومت شده است. سیاست خشنودسازی مخالف اقتصاد بازار آزاد است. مسائل اقتصادی تأثیر بسیاری در روند اصلاحات سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس دارند. کشورهای بحرین، کویت، قطر و عربستان سعودی با استفاده از اقتصاد رانتی وابسته به نفت، مالیات‌ها را کاهش داده‌اند. همچنین آنها با دادن امکانات معیشتی و اقتصادی بیشتر به شهروندان خود خصوصاً بعد از قیام‌های جهان عرب، به خشنودسازی بیش از پیش شهروندان خود پرداختند. هدف آنان از این کار حفظ قدرت بود؛ اما کشورهایی چون مصر و تونس در این استراتژی شکست خوردند. شایان ذکر است که نقش قبایل و مذهب در ثبات سیاسی کشورهایی چون قطر و عربستان سعودی بسیار تأثیرگذار است.

- نقش عربستان سعودی: عربستان سعودی یکی از قدرت‌های منطقه‌ای است که مخالف دموکراتیک شدن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه بحرین و تاحدودی قطر است. گفتنی است که مخالفت عربستان سعودی با تشکیل کشورهای دموکراتیک مبنی بر قانون اساسی و حمایت مردم، ناشی از نگرانی سرایت دموکراسی و انتخابات به داخل کشورش می‌باشد. عربستان سعودی برای سرکوب تحولات جهان عرب در بحرین، از بهانه اکثریت شیعی و تأثیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور سوء استفاده کرد و در قالب مداخله نیروهای خود را برای حمایت از نظام سیاسی بحرین به آنجا فرستاد.



علی‌رغم تأکید امیر سابق قطر بر انتخابات آزاد شورای مشورتی در این کشور، شاهد تأخیر این امر تاکنون هستیم. تحلیل‌های اخیر علت این تأخیر را فشارهای عربستان سعودی می‌دانند. شایان ذکر است که عربستان سعودی به دلیل شباهتی که با قطر دارد، نگران سرایت انتخابات به کشور خود است. از طرف دیگر، پیشرفت بحران‌های منطقه‌ای موجب شده است که متفکران قطری با هدف اصلاحات سیاسی و با الگوگیری از کویت، درصدد بازبینی انتخابات شورای مشورتی خود برآیند.

عربستان سعودی بدون هیچ‌گونه تغییر در ساختار حکومتی خود یا واگذاری امتیازهای سیاسی، از تحولات جهان عرب به نفع خود استفاده کرد. در همین راستا، عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، پادشاه وقت این کشور، با واریز مبالغ هنگفتی به حساب شهروندان خود، درصدد کسب نتایج تحولات جهان عرب به نفع خود برآمد.

کشورهای منطقه خلیج فارس به دلیل ترس از نمایندگان مردم، مخالف روند دموکراتیک شدن خود هستند. در همین راستا، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس برپایی اتحادیه‌ها و حزب‌های سیاسی را ممنوع اعلام کردند. همچنین نسبت مشارکت مردم کشورهای کویت، سلطنت عمان و بحرین در انتخابات بیانگر آمادگی آنها برای پیشرفت دموکراسی در آینده است. شایان ذکر است که پیشرفت دموکراسی نتیجه تلاش‌های سیاسی مردم به‌ویژه در زمینه انتخابات است. برخلاف این کشورها، در عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر هیچ‌گونه انتخابات قانونی و نظارتی بر عملکرد حکومت وجود ندارد.

ارزیابی نهایی

نظام سیاسی حاکم بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دلیل ساختار سنتی و غیرمدرن خود تبدیل به یکی از نمونه‌های دولت‌های غیردموکراتیک در دنیای جدید شده است. با توجه به روند کند اصلاحات سیاسی و همچنین نبود جریان اصلاح‌گر جدی به نظر می‌رسد روند کنونی نظام سیاسی این کشورها در کوتاه‌مدت و بلندمدت همچنان تداوم داشته باشد. ثروت ملی و فرهنگ اجتماعی و همچنین حمایت قدرت‌های بین‌المللی از این نظام‌ها در این زمینه تأثیرگذار هستند.

به نظر بسیاری از کارشناسان اگرچه روند اصلاحات سیاسی در این کشورها مطلوب حاکمان پیش می‌رود و روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی به سرعت در حال انجام است و در صورت تحقق این تغییرات در بلندمدت این کشورها با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد کرد. اگر حاکمان در شیوه حکمرانی خود تن به تغییرات تدریجی بدهند می‌توانند بخشی از چالش‌ها را برطرف نمایند و در غیراین صورت مجبور خواهند بود تغییرات در سطح کلان را بپذیرند.

